

ما می‌گوییم:

۱. درباره این سخن مرحوم خویی، می‌توان گفت که اشکال‌های حضرت امام که بر اصل فرمایش مرحوم نایینی وارد شده بود در اینجا هم وارد است.

اولاً: متعلق وفای به عقد (امر چهارم) اصلاً «نماز عمرو» نیست و متعلق امر سوم هم «نیابت» است، نه آنکه «نماز عمرو» متعلق امر سوم باشد.
ثانیاً: ادغام و کسب دارای معنی معقول نیست.

۲. اما مرحوم خویی در ادامه اشکال‌های دیگری را متوجه سخن مرحوم نایینی می‌کنند:

«الأول - ان هذا خلاف مفروض الكلام في المقام، فانه فيما إذا كان متعلق الأمر و النهی واحدا، لا متعددا، و الا فلا كلام فيه، ضرورة ان محل البحث و الكلام هنا بين الأصحاب في فرض كون متعلقهما واحدا و اما إذا كان متعددا فهو خارج عن محل الكلام و البحث، و لا إشكال فيه أصلا.»^۱

توضیح:

۱. موضوع بحث درباره قسمت اول از عبادات مکروهه بود. یعنی جایی که متعلق نهی همان چیزی باشد که متعلق عبادت است (و بدل هم موجود نیست). در حالیکه مرحوم نایینی مسئله را تبدیل کردند به اینکه موضوع عبادت و موضوع کراهت دو چیز مختلف هستند

۲. [ما می‌گوییم: این اشکال مرحوم خویی وارد نیست. چرا که مرحوم نایینی در صدد است که بگوید هر جا به ظاهر متعلق‌ها یکی است در حقیقت متعلق‌ها متعدد است و لذا استحاله در میان نیست. (البته چنان که حضرت امام در اشکال چهارم مطرح کردند، تعدّد متعلق در ما نحن فیه راه گشا نیست ولی آن اشکال دیگری است)]

«الثانی - ان ما أفاده (قده) خلاف ظاهر الدلیل، لوضوح ان الظاهر من النهی عن الصوم في يوم عاشوراء هو انه متعلق بذات الصوم و انه منهي عنه و دعوى انه متعلق بجهة التعبد به، لا بذاته خلاف الظاهر، فلا يمكن الالتزام به بلا قرينة و شاهد، و كذا الحال في النهی المتعلق بالنوافل المبتدأة في بعض الأوقات، فان الظاهر منه هو انه متعلق بذات تلك النوافل، و انها منهي عنها لا



بجهة التعبد بها، ضرورة ان حمل النهی على ذلك خلاف الظاهر، فلا يمكن ان یصار إليه بلا

دلیل.»^۱

توضیح:

۱. سخن مرحوم نایینی خلاف ظاهر ادله است چرا که ظاهر ادله، نفس صوم را مکروه دانسته است و نه

«صوم با تعبد» را.

۲. همچنین نهی از نوافل مبتدئه، ذات نافله را مکروه دانسته است و نه «نافله همراه با تعبد» را.

[ما می‌گوییم: خروج از ظاهر دلیل، به جهت استحاله عقلی، اشکال ندارد].

راه حل امام خمینی (و قائلین به اجتماع امر و نهی) در قسم اول از عبادات مکروهه:

قائلین به اجتماع، درباره قسم اول (مثال: صوم یوم العاشور) لاجرم به یک خلاف ظاهر تن داده‌اند و

پذیرفته‌اند که یک عنوان (صوم) نمی‌تواند هم مأموریه باشد و هم منهی عنه ولی می‌گویند:

«صوم» مستحب است و مأموریه و «تشبه به بنی امیه» مکروه است و منهی عنه. ولی چون تشبه به بنی امیه با

«صوم یوم العاشور» مصداق واحدی دارد، به جای آن [بالعرض و المجاز یا ارشاداً] نهی را متوجه «صوم یوم

العاشور» کرده‌اند.

پس چون دو عنوان با حکم‌های مختلف می‌توانند دارای مصداق واحد باشند، در مانحن فیه ما هم مشکل

مرتفع می‌شود.

حضرت امام می‌نویسند:

«فالعامة: هو الجواب عما تعلق النهی بذاتها و لا بدل لها كصوم يوم عاشوراء و الصلوات

المبتدأة عند غروب الشمس و طلوعها، فلا يبعد فيها أن يكون النهی متعلقاً بعنوان آخر

منطبق على الصوم، كالتشبه ببني أمية و بني مرجانة - لعنهم الله - فالمأمور به هو ذات

الصوم و المنهى عنه التشبه بهم، و لما انطبق العنوان عليه و كان ترك التشبه أهم من الصوم

المستحب، نهى عنه إرشاداً إلى ترك التشبه... و كذا الحال في الصلوات في أوقات خاصة -

كقبل طلوع الشمس و غروبها على فرض كراهتها، فإنها - أيضاً - محل مناقشة، لكن يمكن

أن يكون لانطباق عنوان آخر مكروه عليها، كالتشبه بعبدة الأوثان على ما قيل.»^۲

۱. همان

۲. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۳۹



همچنین مرحوم بروجردی - که ایشان هم قائل به اجتماع است - همین مطلب را مورد اشاره قرار می‌دهند:

«و التحقيق في التفصّي عن هذا الإشكال أن يقال: إنّ الفعل فيه مصلحة خالصة، و لكن ينطبق على ذلك الفعل عنوان آخر يكون فيه مفسدة راجحة؛ فالنهي عن الفعل إنّما هو لأجل انطباق تلك العناوين عليه.

مثلاً: صوم يوم عاشوراء بما أنّه صوم، فيه مصلحة خالصة و لا مفسدة فيه، لكن ينطبق عليه عنوان التشبّه ببنی امیّة و بنی مرجانة - لعنهم الله - و هذا التشبّه فيه مفسدة غالبية على الصوم المندوب، و كذلك النوافل عند غروب الشمس و طلوعها تكون فيها مصلحة خالصة بما أنّها صلاة، و لكن ينطبق عليها عنوان التشبّه بعبدة الشمس، و هذا فيه مفسدة راجحة على مصلحة النافلة، و لأجل ذلك وقع النهی عنها.^۱»

جمع بندی بحث عبادات مکروهه

ماحصل بحث در عبادات مکروهه آن بود که:

۱. ۳ قسم عبادات مکروهه داریم
۲. مرحوم آخوند در قسم اول ۴ راه حل و در قسم دوم ۵ راه حل و در قسم سوم بنا بر عقیده اجتماعی‌ها ۳ راه حل و بنا بر عقیده امتناعی‌ها ۵ راه حل مطرح کردند (البته ما راه حل اجتماعی‌ها را بیشتر دانستیم)
۳. عمده مشکل در قسم اول بود. که امام، مرحوم بروجردی، مرحوم خویی، مرحوم نایینی و مرحوم اصفهانی بر آن اشکالاتی را وارد کرده بودند
۴. به نظر می‌رسد راه حل ارشادی در قسم دوم و قسم سوم مشکل امتناعی‌ها را حل می‌کند ولی با توجه به اشکال‌های مطرح شده توسط حضرت امام بر راه حل آخوند و راه حل مرحوم نایینی، نمی‌توان از منظر امتناعی‌ها راه‌حلی را در این قسم یافت.

حضرت امام در ادامه بحث دو نکته را هم مطرح کرده‌اند: « هذا لو قلنا بصحة الصوم يوم عاشوراء كما نسب إلى المشهور، و إلاّ فلا إشكال فيها مجال بالنظر إلى الأخبار. و نسب إلى المشهور في الجمع بين الأخبار بأن الصوم حزن مستحب، و شكرا مكروه، و فيه ما فيه. و جمع جمع بينها باستحباب الصوم الناقص، أي صورة الصوم إلى العصر، و بطلان التأم، و للكلام فيه محل آخر. » [مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۳۹]

توضیح: اگر قائل به بطلان روزه روز عاشورا شویم، نوبت به اجتماع امر و نهی نمی‌رسد و نهی از صوم، ادله صوم را تخصیص می‌زند.

۱. لمحات الاصول، ص ۲۳۸



۵. اما از منظر اجتماعی‌ها، سخن مطرح شده توسط مرحوم امام و مرحوم بروجردی در قسم اول، در قسم دوم و قسم سوم هم قابل جریان است و لذا اجتماعی‌ها در حل مشکلات عبادات مکروهه با مشکلی مواجه نیستند.

۶. البته راه‌حل ارشادی بودن (پنجمین راه‌حل آخوند در قسم دوم) برای اجتماعی‌ها هم قابل طرح است و لذا این گروه می‌توانند در قسم دوم و قسم سوم قائل به این شوند که کراهت در عبادات به معنای «اقلّیت ثواب» است. (اگرچه می‌توانند به اجتماع امر و نهی هم قائل شوند و ثواب عبادت را به اندازه واقعی خود تصویر کنند و در کنار آن اتیان عبادت را موجب حراست ناشی از عنوان دیگر هم بدانند)

